

In Search of a Middle Path for Referendums in Iran



Seyed Hosein Safaïi

Professor, Department of Specialized Law, Faculty of Law and Political Science, University of Tehran, Tehran, Iran
Email: hsafaïi@ut.ac.ir



Mohammad Darvishzadeh

Head of the Iranian Law and Legal Research Institute and former judge of the Supreme Court, Tehran, Iran
Email: darvishzadeh@illrc.ac.ir



Introducti

In the aftermath of the unlawful attack carried out by the United States and Israel against our homeland and Islamic nation, the question of whether a referendum should be convened has reverberated across Iran's public sphere. On one side of the debate stand those who extol the necessity of a referendum, even extending its reach to the establishment of a constituent assembly - an ambition that seems to disregard the lived experiences and hard-won achievements of half a century of Iranian national struggle. On the other side are voices vehemently opposed to any invocation of a referendum, denouncing it as subversive and destabilizing, and calling for its suppression with equal urgency.

The authors of this work seek neither the radicalism of the former nor the rigid intransigence of the latter. Rather, we

Journal of Research and Development
in Comparative Law

Iranian Law and Legal Research
Institute

Vol. 8 | No. 27 | Summer 2025
(Editor-in-Chief Lecture)

www.jcl.illrc.ac.ir

DOI:
10.22034/law.2025.729284

aim to chart a moderate and balanced course, akin to a stream flowing between two mountains - turning neither left nor right. As a first step, we pose the following questions : How have referendums been employed in the experience of other nations? What forms can they take? By exploring these inquiries, we open the way to subsequent discussions that will illuminate which matters, under present circumstances, ought not to be submitted to a referendum, and conversely, which issues may legitimately be placed before the collective will of the Iranian people. It is our hope that this exploration will shed light upon the path ahead, bringing us closer to truth through the exercise of collective reason and deliberation- by the aid and grace of God Almighty.




در جستجوی راهی میانه برای همه‌پرسی در ایران

دانشیار گروه حقوق خصوصی و اسلامی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران
Email: hsafaii@ut.ac.ir

سید حسین صفائی 

رئیس پژوهشکده حقوق و قانون ایران و قاضی پیشین دیوانعالی کشور، تهران، ایران
Email: darvishzadeh@illrc.ac.ir

محمد درویش زاده 



فصلنامه تحقیق و توسعه در حقوق تطبیقی

پژوهشکده حقوق و قانون ایران

دوره ۸ | شماره ۲۷ | تابستان ۱۴۰۴

(سخن سردبیر)

www.jcl.illrc.ac.ir

DOI:

10.22034/law.2025.729284

مقدمه

پس از آن تجاوز شوم که از جانب آمریکا و اسرائیل بر سرزمین مادری و اسلامی ما سایه افکنده، بحث از ضرورت و امتناع در برگزاری همه‌پرسی در عرصه عمومی کشور، طنین‌انداز شده است. از یک سو، برخی چنان از اهمیت برگزاری همه‌پرسی سخن می‌گویند که دامنه آن را تا تشکیل مجلس موسسان می‌گسترانند؛!! گویی می‌خواهند بنای نوینی برپا کنند و تجربه زیسته‌ای که دستاورد نیم قرن تکاپوی ملی ایرانیان است را یکسره به کناری بگذارند؛! اما در سوی دیگر، عده‌ای دیگر، به شدت با هرگونه اشاره به همه‌پرسی مخالفت کرده و آن را در زمره رفتارهای ساختارشکن و براندازانه به شمار می‌آورند و بر ضرورت مقابله و برخورد با هرگونه صحبت از همه‌پرسی تأکید دارند.

نویسندگان این سطور، در جستجوی راهی میانه و معتدل هستند؛ همچون جویباری که میان دو کوه قرار گرفته و نه به چپ می‌چرخد و نه به راست. از این رو، در گام نخست تلاش خواهیم کرد تا به این پرسش پاسخ دهیم که: «همه‌پرسی در تجربه سایر کشورها چگونه

است؟ و چه انواعی دارد؟» پاسخ به این پرسش‌ها، دریچه‌ای خواهد گشود تا به مباحث بعدی پرداخته و در نهایت روشن سازیم که در شرایط کنونی، کدام مسائل، شایسته برگزاری همه‌پرسی نیستند؟ و کدامین موضوعها می‌توانند در مجمع عمومی ایرانیان به شور گذاشته شوند؟ و کدام مسائل نباید در چنین مجمعی به شور گذاشته شوند؟ باشد که در این رهگذر، چراغی فراروی ما قرار گیرد تا راه را بیابیم و در سایه خرد جمعی، به حقیقت نزدیک‌تر شویم. بعون الله و

مدده

۱- تجربه سایر کشورها در زمینه همه‌پرسی:

۱-۱- تجربه کشورهایی که همه‌پرسی در آنها رواج دارد:

رفراندوم یا همه‌پرسی، به عنوان یک ابزار دموکراتیک برای تصمیم‌گیری در مورد مسائل مهم، در بسیاری از کشورها رواج دارد. در زیر به برخی از کشورهایی که رفراندوم‌ها در آن‌ها معمولاً برگزار می‌شود، اشاره می‌شود:

- **سوئیس**، یکی از پیشروترین کشورها در استفاده از رفراندوم است؛ (Butler & Ranney, 1994, p. 98) این کشور به‌طور منظم رفراندوم‌های ملی و محلی را برای تصمیم‌گیری در مورد مسائل مختلف برگزار می‌کند. در فاصله سال ۱۸۴۸ تاکنون بیش از ۷۰۰ مورد همه‌پرسی فدرال در سوئیس اجرا شده است. (swissvotes.ch, 1404)

- **ایرلند**، به‌طور مرتب رفراندوم‌هایی را برای تصویب تغییرات قانونی و اصلاحات اجتماعی برگزار می‌کند؛ مانند رفراندوم‌های مربوط به سقط جنین (دنیای اقتصاد، ۱۳۹۷، ش. ۳۳۹۳۱۵۳) و...

- **اسکاتلند**، در سال ۲۰۱۴ رفراندومی برای استقلال از بریتانیا برگزار کرد (electoralcommission, 2024) و در آینده نیز رفراندوم‌های دیگری در برنامه دارد.

- **ایتالیا**، نیز رفراندوم‌هایی را برای تصویب یا رد اصلاحات قانون اساسی و دیگر مسائل سیاسی برگزار می‌کند. در فاصله سال ۱۹۴۶ تا اواسط ۲۰۲۵ تعداد ۷۸ مورد همه‌پرسی ملی برگزار کرده است. (ANSA, 2025)

- **کلمبیا** در سال‌های اخیر رفراندوم‌هایی را برگزار کرده است. از جمله رفراندوم مبارزه با فساد را در سال ۲۰۱۸ (ایسنا، ۱۳۹۷، ش. ۹۷۰۶۰۴۰۱۳۷۲) و رفراندوم راجع به تصمیم‌گیری در مورد توافقات صلح را در سال ۲۰۱۶ برگزار کرده است. (تسنیم، ۱۳۹۵، ش. ۱۱۹۷۳۵۵)

- در **آلمان**، اگرچه رفراندوم‌های ملی به‌ندرت برگزار می‌شود، اما برخی ایالت‌ها (لندها) می‌توانند رفراندوم‌های محلی را برگزار کنند.

- **نیوزیلند** نیز از رفراندوم‌ها برای تصمیم‌گیری در مورد مسائل مهم اجتماعی و قانونی استفاده می‌کند.

- **کانادا** در برخی موارد، مانند فراندوم سال ۱۹۹۵ در خصوص استقلال استان کبک از کانادا، از این ابزار استفاده کرده است. (Gall, 2015)
- **تایلند** نیز به‌طور گاه به گاه از فراندوم‌ها برای تصویب قانون اساسی و دیگر مسائل سیاسی استفاده کرده است.
- **پرتغال** نیز در برخی موارد، مانند موضوع سقط جنین، از فراندوم‌ها استفاده کرده است. این فهرست، فقط نمونه‌هایی از کشورهایی است که فراندوم‌ها در آن‌ها رواج دارد. هر کشور بسته به نظام سیاسی و فرهنگی خود ممکن است روش‌های متفاوتی برای برگزاری فراندوم داشته باشد و میزان استفاده از این ابزار دموکراتیک نیز متفاوت است.
- ۱-۲- **تجربه کشورهایی که همه‌پرسی در آن رواج ندارد:** برگزاری همه‌پرسی در برخی کشورها به دلایل مختلفی مانند ساختار سیاسی، فرهنگی، یا تاریخی رایج نیست. در زیر به برخی از این کشورها اشاره می‌شود:
 - کشورهای دیکتاتوری: در کشورهایی که تحت حکومت‌های دیکتاتوری یا اقتدارگرا اداره می‌شوند، معمولاً برگزاری فراندوم به ندرت انجام می‌شود. در این کشورها، تصمیمات عمدتاً توسط یک فرد یا گروه کوچک اتخاذ می‌شود و نظرات عمومی نادیده گرفته می‌شود. نمونه‌هایی از این کشورها شامل کره شمالی و بلاروس هستند.
 - کشورهای با نظام سیاسی متمرکز: در برخی کشورها که نظام سیاسی متمرکز دارند و قدرت در دست دولت مرکزی است، برگزاری فراندوم به عنوان ابزاری برای مشارکت عمومی کمتر مورد استفاده قرار می‌گیرد. به عنوان مثال، در چین، تصمیمات عمدتاً توسط حزب کمونیست اتخاذ می‌شود و فراندوم‌ها نادر هستند.
- ۱-۳- **کشورهایی با تاریخچه عدم مشارکت سیاسی:** در کشورهایی که تاریخچه‌ای از عدم مشارکت سیاسی و عدم اعتماد به نهادهای دولتی دارند، برگزاری فراندوم ممکن است به دلیل عدم تمایل مردم به شرکت در فرآیندهای سیاسی رایج نباشد. نمونه‌هایی از این کشورها می‌تواند شامل برخی کشورهای آفریقایی باشد.
- ۱-۴- **کشورهایی با سیستم‌های سیاسی خاص:** برخی کشورها دارای سیستم‌های سیاسی خاصی هستند که برگزاری فراندوم در آن‌ها به عنوان بخشی از فرآیند سیاسی

تعریف نشده است. برای مثال، در برخی کشورها مانند عربستان سعودی، سیستم سیاسی مبتنی بر سلطنت مطلقه است و فراندوم به عنوان ابزاری برای تصمیم‌گیری عمومی وجود ندارد.

۱-۵-کشورهایی با ساختار فدرالی غیرشفاف: در برخی کشورهای فدرالی که ساختار قدرت به طور نامشخص تقسیم شده، ممکن است برگزاری فراندوم‌ها به دلیل پیچیدگی‌های قانونی و سیاسی دشوار باشد. به طور کلی، برگزاری فراندوم معمولاً در کشورهایی که نظام‌های دموکراتیک قوی دارند و به مشارکت عمومی اهمیت می‌دهند، رایج‌تر است.

۲-انواع همه‌پرسی:

طبقه‌بندی‌های مختلفی از همه‌پرسی وجود دارد؛ معمولاً همه‌پرسی‌ها بر اساس اهداف، شکل و نتایج آن تقسیم بندی می‌شوند. در زیر به برخی از این دسته‌بندی‌ها اشاره می‌شود:

۲-۱- بر اساس هدف همه‌پرسی:

• **فراندوم‌های سیاسی:** این گونه همه‌پرسی با هدف تصمیم‌گیری در مورد مسائل سیاسی، (طحان نظیف؛ ممتازنیا، ۱۳۹۸، ص. ۴۲۶) مانند استقلال، تغییر نظام حکومتی، اصلاح ساختار سیاسی، اصلاح قانون اساسی یا پیوستن به اتحادیه‌های بین‌المللی انجام می‌شوند. (هاشمی-سیدمحمد، ۱۳۹۰، ص. ۲۳۳-۲۳۲؛ عباسی، ۱۳۸۹، ص. ۲۹۱)

• **فراندوم‌های اقتصادی:** (مهرپور، ۱۳۹۱، ص. ۲۸۰) این گونه همه‌پرسی‌ها با هدف تصمیم‌گیری در سیاست‌های کلان اقتصادی، مالیاتی، بیمه‌ای یا برنامه‌های توسعه و بلندمدت کشورها انجام می‌شود.

• **فراندوم‌های اجتماعی:** این گونه همه‌پرسی‌ها با هدف بررسی نظرات عمومی در مورد موضوعات اجتماعی، (مهرپور، ۱۳۹۱، ص. ۲۸۰) مانند حقوق بشر، حقوق اقلیت‌ها یا مسائل خانوادگی انجام می‌شود.

۲-۲- بر اساس نوع فراندوم:

• **فراندوم‌های الزامی (Binding Referendum):** در این نوع همه‌پرسی، نتیجه رأی‌گیری الزام‌آور است و دولت یا مقامات موظف به پیروی از آن هستند. این نوع فراندوم معمولاً برای تغییر در قانون اساسی یا مسائل مهم اجتماعی و سیاسی برگزار می‌شود. (طباطبایی مؤتمنی، ۱۳۸۶، ص. ۷۲) همه‌پرسی‌هایی که در اصول ۶-۵۹ و ۱۷۷ قانون اساسی ایران آمده، از این نوع همه‌پرسی هستند.

• **فراندوم‌های مشورتی (Advisory Referendum):** در این نوع از همه‌پرسی، رأی‌گیری برای مشاوره به دولت یا مقامات انجام می‌شود. نتیجه این فراندوم الزامی نیست و صرفاً نظر مردم را در مورد یک موضوع خاص نشان می‌دهد. (طباطبایی مؤتمنی، ۱۳۸۶، ص. ۷۲؛ طحان نظیف؛ ممتازنیا، ۱۳۹۸، ص. ۴۲۶) در قانون اساسی ایران این‌گونه همه‌پرسی پیش‌بینی نشده؛ اما شاید بتوان حکم اصل ۱۶۲ قانون اساسی را از این خانواده حقوقی تلقی کرد. در این اصل، آمده است: «رئیس دیوانعالی کشور و دادستان کل باید مجتهد عادل و آگاه به امور قضائی باشند و رئیس قوه قضائیه با مشورت قضات دیوانعالی کشور آنها را برای مدت پنجسال به این سمت منصوب می‌کند.» اگر چه حکم این اصل از مصادیق همه‌پرسی به معنای مصطلح نیست، اما از آنجایی که در این اصل، نظرخواهی از همه اعضای جامعه خاص (قضات دیوان عالی کشور) پیش‌بینی شده است، می‌توان آن را با مسامحه در شمار همه‌پرسی دانست و از آنجا که نتایج این مشورت و نظرخواهی، هیچ تکلیفی برای مقام ناصب ایجاد نمی‌کند، می‌توان آن را از نوع مشورتی دانست.

• **همه‌پرسی‌های محلی:** این‌گونه همه‌پرسی در سطح محلی یا منطقه‌ای برگزار می‌شود و معمولاً به مسائل خاص آن منطقه مربوط می‌شود. (طحان نظیف؛ ممتازنیا، ۱۳۹۸، ص. ۴۲۶) یک نمونه از این همه‌پرسی‌ها، در بریتانیا و با موضوع استقلال اسکاتلند بود که در سال ۲۰۱۴ برگزار شد.

- **همه‌پرسی های ملی:** این نوع همه‌پرسی در مقابل همه‌پرسی محلی است؛ مسائلی که در همه‌پرسی های ملی مطرح می‌شود، اختصاص به یک منطقه خاص از یک کشور ندارد و به صورت یکپارچه بر تمام گستره سرزمینی و ملی مربوط می‌شود.

۲-۳- بر اساس نتایج و پیامدها:

- **موفقیت‌آمیز:** رفراندوم‌هایی که منجر به تغییرات مثبت یا تحقق اهداف مورد نظر شدند؛ مانند رفراندوم استقلال اسکاتلند که در سال ۲۰۱۴ برگزار شد و منتهی به این شد که اسکاتلند به عنوان بخشی از بریتانیا باقی ماند.
- **ناموفق:** همه‌پرسی‌هایی که نتیجه آن به تحقق اهداف مورد نظر نرسیدند یا منجر به بحران سیاسی شدند. مانند رفراندوم‌های مربوط به خروج بریتانیا از اتحادیه اروپا که در سال ۲۰۱۶ برگزار شد و منتهی به خروج رسمی بریتانیا از اتحادیه اروپا گردید.

۲-۴- بر اساس زمان و تاریخ:

- **رفراندوم‌های تاریخی:** مانند همه‌پرسی‌های مربوط به استقلال کشورهای جدید یا تغییرات اساسی در نظام‌های سیاسی شده است، در کشور ما و در سال ۱۳۵۸ همه‌پرسی در خصوص تعیین نوع حکومت پس از پیروزی انقلاب اسلامی برگزار شد و منتهی به تغییر ساختار نظام پادشاهی به جمهوری اسلامی شد. این همه‌پرسی در اصل اول قانون اساسی مطرح شده و مهمترین همه‌پرسی تاریخی در پهنه تاریخ و سرزمین ایران تلقی می‌شود.

- **رفراندوم‌های معاصر:** این نوع از همه‌پرسی به مسائل روزمره و معاصر مربوط می‌شوند، مانند تغییرات قانونی یا سیاست‌های اجتماعی، مثلاً در سال ۲۰۲۰ در ایتالیا همه‌پرسی در زمینه اصلاح قانون اساسی و کاهش تعداد نمایندگان مجلس برگزار شد و پس از اخذ نتیجه، تعداد نمایندگان مجلس از ۶۳۰ نفر به ۴۰۰ نفر و سنا از ۳۱۵ نفر به ۲۰۰ نفر کاهش یافت.

۲-۵- بر اساس شیوه برگزاری:

- **شفاف و عادلانه:** رفراندوم‌هایی که با رعایت اصول دموکراتیک و شفافیت برگزار شدند.

همه‌پرسی سال ۱۳۵۸ در خصوص شکل برگزاری از جهات مختلفی با معیارهای همه‌پرسی شفاف و عادلانه منطبق است.

• **غیرشفاف و با تقلب:** رفراندوم‌هایی که با ابهام، تقلب یا فشارهای سیاسی برگزار شدند و قریب به اتفاق همه‌پرسی‌هایی که بعد از مداخله خارجی و یا بعد از کودتا برگزار می‌شود و نتیجه آن تثبیت و تایید نظام بر آمده از مداخله خارجی یا کودتا است، از مصادیق همه‌پرسی غیرشفاف و با تقلب است. نمونه بارز این گونه همه‌پرسی اجرا شده در سوریه و بعد از سقوط بشار اسد است که دو عامل دخالت خارجی و کودتا در آن مشهود است. این طبقه‌بندی‌ها می‌توانند به تحلیل و بررسی تجربیات کشورهای مختلف در برگزاری رفراندوم کمک کنند و به فهم بهتر از تأثیرات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی آن‌ها بپردازند. بدیهی است که طراحی و اجرای هرگونه همه‌پرسی بسته به قوانین، ارزش‌ها، سنت‌ها و رویه‌های هر کشور ممکن است متفاوت باشد.

۳- مسائلی که در همه‌پرسی مطرح می‌شود:

نگاهی به انواع همه‌پرسی، نشان می‌دهد که طیف وسیعی از موضوعات اساسی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی را می‌توان به همه‌پرسی گذاشت، (طحان نظیف؛ ممتازنیا، ۱۳۹۸، ص. ۴۲۸) این مسائل از نظر اهمیت و جایگاه شرایط یکسانی ندارند؛ بنابراین نمی‌توان برای همه انواع همه‌پرسی، حکمی یکسان داشت و با هرگونه همه‌پرسی مخالفت یا موافقت کرد؛ زیرا طیف وسیعی از مسائل می‌تواند موضوع همه‌پرسی باشد و طبعاً هر کدام از این دو سر طیف، می‌تواند حکم متفاوتی داشته باشد. در ادامه به برخی از مهم‌ترین مسائلی که می‌تواند موضوع همه‌پرسی باشد، اشاره می‌شود تا تنوع و تفاوت موضوعی این مسائل روشن شود:

۳-۱- همه‌پرسی برای تغییر نظام حکومتی:

تصمیم‌گیری درباره تغییر از یک نظام سیاسی به نظام دیگر؛ مثلاً از جمهوری به سلطنت یا بالعکس، می‌تواند موضوع همه‌پرسی باشد.

۲-۳- همه‌پرسی برای استقلال و جدایی: بررسی نظر مردم در مورد استقلال یک منطقه یا کشور می‌تواند موضوع همه‌پرسی باشد؛ (عباسی، ۱۳۸۹، ص. ۲۹۱) مانند رفراندوم استقلال اسکاتلند که در سال ۲۰۱۴ در بریتانیا برگزار شد.

۳-۳- همه‌پرسی پیوستن به اتحادیه‌ها: نظرخواهی در مورد پیوستن به اتحادیه‌های بین‌المللی یا منطقه‌ای نیز می‌تواند موضوع همه‌پرسی باشد؛ (عباسی، ۱۳۸۹، ص. ۲۹۱) مانند همه‌پرسی خروج از اتحادیه اروپا که در سال ۲۰۱۶ در بریتانیا برگزار شد.

۳-۴- همه‌پرسی اصلاحات قانون اساسی: تصمیم‌گیری در خصوص برخی اصلاح و تغییر در قانون اساسی کشور می‌تواند موضوع همه‌پرسی باشد، (عباسی، ۱۳۸۹، ص. ۲۹۰) مانند همه‌پرسی اصلاح قانون اساسی در ایران که در سال ۱۳۶۸ انجام شد و در اصل ۶۴ قانون اساسی کنونی از آن نامبرده شده است.

۳-۵- همه‌پرسی تغییر در سیاست‌های اقتصادی: موضوع این همه‌پرسی تغییر در مالیات‌ها، سیاست‌های حمایتی یا برنامه‌های توسعه اقتصادی است. این گونه همه‌پرسی‌ها در کشورهای مختلفی انجام می‌شود که از جمله می‌توان به همه‌پرسی افزایش حداقل دستمزد در کشور سوئیس اشاره کرد که در سال ۲۰۱۴ انجام شد.

۳-۶- همه‌پرسی خصوصی‌سازی یا ملی‌سازی: تصمیم‌گیری درباره خصوصی‌سازی شرکت‌های دولتی یا ملی‌سازی شرکت‌های خصوصی می‌تواند خود موضوع یک همه‌پرسی در سطح ملی یا محلی باشد. مانند همه‌پرسی فروش سهام شرکت‌های برق دولتی در نیوزیلند که در سال ۲۰۱۳ انجام شد.

۳-۷- همه‌پرسی تغییر در قانون عادی: تصویب قوانین جدید در زمینه بیمه، مالیات، بانک، روابط کارگری، قوانین مهاجرت پناهندگی و بسیاری از مسائل اجتماعی می‌تواند موضوع یک همه‌پرسی باشد؛ نظیر همه‌پرسی که در زمینه محدودیت ورود مهاجران برای اشتغال در سال ۲۰۱۴ در کشور سوئیس انجام شد. (دنیای اقتصاد، کدخبر ۷۸۴۵۳۹)

۳-۸- همه‌پرسی راجع به حفاظت از محیط زیست: تصمیم‌گیری درباره پروژه‌های بزرگ که تأثیرات زیست‌محیطی در سطح ملی یا محلی دارند، می‌تواند موضوع یک همه‌پرسی باشد مانند ساخت سدها یا پروژه‌های صنعتی.

۳-۹- همه‌پرسی راجع به سیاست‌های انرژی: نظرخواهی در مورد استفاده از منابع انرژی تجدیدپذیر یا غیرتجدیدپذیر می‌تواند موضوع یک همه‌پرسی باشد؛ مثلاً کشور سوئیس در سال ۲۰۱۷ رفرااندومی با موضوع حمایت از انرژی تجدیدپذیر برگزار کرد که به تایید حدود ۵۸٪ از رأی دهندگان رسید.

۳-۱۰- همه‌پرسی توسعه زیرساخت‌ها: تصمیم‌گیری درباره پروژه‌های محلی مانند ساخت جاده‌ها، پل‌ها یا مدارس می‌تواند موضوع همه‌پرسی باشد، اهمیت تصمیم‌گیری در این پروژه‌ها بر اساس نظر مستقیم اکثریت ذینفعان آن است که مشارکت همه ذینفعان در تصمیم‌گیری جلب شده است و بنابراین زمینه هرگونه عدم همکاری بعدی و مسئولیت‌گریزی توسط ذینفعان مرتفع می‌شود.

۳-۱۱- همه‌پرسی در زمینه مدیریت منابع طبیعی: بررسی نحوه مدیریت منابع آب، جنگل‌ها و دیگر منابع طبیعی در سطح محلی و حتی در سطح ملی می‌تواند موضوع یک همه‌پرسی باشد تا مشارکت همه ذینفعان در موضوع تامین شده و تعهد آنها به نتیجه همه‌پرسی جلب گردد.

۳-۱۲- همه‌پرسی در زمینه تغییر در نظام آموزشی: نظرخواهی در مورد تغییرات عمده در سیستم آموزشی کشور نیز می‌تواند موضوع همه‌پرسی باشد. به طور کلی مسائل بسیار متنوعی می‌توانند موضوع همه‌پرسی باشند. این مسائل از نظر درجه اهمیت یکسان نیستند؛ لذا تصمیم‌گیری در مورد اینکه کدامیک از این مسائل در برنامه همه‌پرسی قرار گیرد، تابعی از شرایط سیاسی، اجتماعی و فرهنگی هر کشور است، بنابراین نمی‌توان برای همه انواع همه‌پرسی پاسخی یکسان و یکنواخت ارائه کرد؛ بلکه تعیین موضوع همه‌پرسی نیاز به بررسی دقیق و همه‌جانبه دارد تا نتیجه‌ای عادلانه و نمایانگر نظرات واقعی مردم به دست آید.

۴- شرایطی که ضرورت همه‌پرسی را بیشتر می‌کند: این شرایط معمولاً شامل موارد زیر است:

۴-۱- تغییر در قانون اساسی: زمانی که تغییری در قانون اساسی کشور پیشنهاد می‌شود، برگزاری رفرااندوم می‌تواند به عنوان ابزاری برای تأیید یا رد این تغییر توسط مردم

استفاده شود. در اصل ۱۷۷ قانون اساسی ما نیز ترتیبات بازنگری در قانون اساسی و برگزاری رفراندوم آمده است.

۴-۲- مسائل اجتماعی و فرهنگی حساس: در مواقعی که موضوع های اجتماعی و فرهنگی مطرح می‌شود، رفراندوم می‌تواند به عنوان راهی برای جلب نظر عمومی و ایجاد توافق اجتماعی عمل کند. اصل ۵۹ قانون اساسی ایران در این زمینه می‌گوید: «در مسائل بسیار مهم اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی ممکن است اعمال قوه مقننه از راه همه‌پرسی و مراجعه مستقیم به آراء مردم صورت گیرد. درخواست مراجعه به آراء عمومی باید بتصویب دو سوم مجموع نمایندگان مجلس برسد.»

۴-۳- استقلال یا جدایی سرزمینی: در کشورهایی که به صورت حکومت فدرالی اداره می‌شوند، ممکن است یک منطقه یا استان خواستار استقلال یا جدایی از کشور باشد؛ در این موارد برگزاری رفراندوم می‌تواند به عنوان ابزاری برای تعیین نظر مردم در مورد این موضوع استفاده شود. به عنوان مثال در سال ۲۰۱۴ در بریتانیا موضوع استقلال اسکاتلند به همه‌پرسی گذاشته شد.

۴-۴- توافقات بین‌المللی: در مواردی که یک کشور به توافقات بین‌المللی مهمی (مانند معاهدات صلح یا توافقات تجاری) ملحق می‌شود، برگزاری رفراندوم می‌تواند به تأیید این توافقات توسط مردم کمک کند. به عنوان مثال می‌توان به رفراندوم برگزیت اشاره کرد که در سال ۲۰۱۶ در بریتانیا برگزار و منجر به خروج این کشور از اتحادیه اروپا شد.

۴-۵- بحران‌های سیاسی: در زمان‌هایی که کشور با بحران‌های سیاسی یا اجتماعی مواجه است، رفراندوم می‌تواند به عنوان ابزاری برای بازسازی اعتماد عمومی و ایجاد ثبات سیاسی مورد استفاده قرار گیرد. به عنوان مثال در سال ۲۰۱۴ به دنبال مطالبه استقلال طلبان اسکاتلندی، در خصوص استقلال اسکاتلند از بریتانیا رفراندومی برگزار شد و رأی نیاورد؛ اما بحران سیاسی تا حدودی مهار شد.

۴-۶- تغییرات اقتصادی عمده: در مواردی که تغییرات اقتصادی بزرگ (مانند خصوصی‌سازی دارایی‌های دولتی یا تغییرات در نظام مالیاتی) برگزاری رفراندوم می‌تواند به جلب حمایت عمومی کمک کند. به عنوان مثال می‌توان به برگزاری رفراندوم خصوصی

سازی در اروگوئه در سال ۱۹۹۲ اشاره کرد که نقش مهمی در جلوگیری از تغییرات بنیادین اقتصادی داشت.

۴-۷- تقویت مردم سالاری: در جوامعی که به دنبال تقویت دموکراسی و مشارکت شهروندان هستند، برگزاری رفراندوم‌ها می‌تواند به عنوان ابزاری برای افزایش مشارکت عمومی و پاسخگویی دولت‌ها عمل کند.

۴-۸- مسائل محلی: در برخی موارد، مسائل محلی مانند پروژه‌های بزرگ عمرانی یا تغییرات در سیاست‌های محلی نیز ممکن است نیاز به برگزاری رفراندوم داشته باشند تا نظر مردم محلی را جلب کنند. به طور کلی، برگزاری رفراندوم زمانی ضرورت بیشتری پیدا می‌کند که موضوع مورد نظر دارای اهمیت بالایی باشد و نیاز به تأیید عمومی و مشارکت شهروندان احساس شود.

۵- شرایطی که برگزاری همه‌پرسی را نامناسب می‌کند:

برگزاری همه‌پرسی می‌تواند در برخی شرایط مناسب نباشد. این شرایط می‌توانند شامل موارد زیر باشند:

۵-۱- عدم وجود اطلاعات کافی: اگر مردم اطلاعات کافی درباره موضوع رفراندوم نداشته باشند، تصمیم‌گیری آن‌ها ممکن است بر اساس اطلاعات نادرست یا ناقص باشد. این می‌تواند منجر به انتخاب‌های نادرست و نتایج نامطلوب شود.

۵-۲- وجود تنش‌های اجتماعی یا سیاسی: در شرایطی که جامعه دچار تنش‌های شدید سیاسی یا اجتماعی است، برگزاری رفراندوم می‌تواند به تشدید این تنش‌ها منجر شود و اوضاع را پیچیده‌تر کند.

۵-۳- عدم وجود زیرساخت‌های دموکراتیک: در کشورهایی که زیرساخت‌های دموکراتیک ضعیف هستند، برگزاری رفراندوم ممکن است به سوءاستفاده‌های سیاسی یا تقلب منجر شود. در این حالت، نتیجه رفراندوم ممکن است نمایانگر اراده واقعی مردم نباشد.

۵-۴- موضوعات پیچیده و فنی: اگر موضوع فراندوم بسیار پیچیده یا فنی باشد، ممکن است برای عموم مردم قابل فهم نباشد. در این شرایط، تصمیم‌گیری بر اساس احساسات یا برداشت‌های نادرست ممکن است رخ دهد.

۵-۵- زمانبندی نامناسب: برگزاری فراندوم در زمان‌هایی که کشور با بحران‌های اقتصادی، اجتماعی یا سیاسی مواجه است، می‌تواند به نتایج نامطلوب منجر شود و توجه جامعه را از مسائل اساسی منحرف کند.

۵-۶- عدم شفافیت و بی‌اعتمادی: اگر مردم نسبت به نهادهای دولتی بی‌اعتماد باشند و احساس کنند که فرآیند فراندوم شفاف نیست، ممکن است مشارکت در آن کاهش یابد و نتایج آن معتبر نباشد.

۵-۷- تأثیر گروه‌های فشار: اگر گروه‌های خاصی بتوانند بر روند فراندوم تأثیر بگذارند و نظر عمومی را به نفع خود تغییر دهند، ممکن است نتیجه نهایی نمایانگر خواسته‌های واقعی مردم نباشد.

۵-۸- نقص در قانون‌گذاری: اگر قوانین مربوط به برگزاری فراندوم به وضوح تعریف نشده باشند یا نقص‌هایی داشته باشند، ممکن است فرآیند برگزاری آن با مشکلات جدی مواجه شود. در نهایت، هر فراندوم باید با دقت و با توجه به زمینه‌های اجتماعی، سیاسی و اقتصادی کشور برگزار شود تا از نتایج آن اطمینان حاصل شود. برگزاری فراندوم در هر کشوری نیازمند بررسی دقیق شرایط سیاسی، اجتماعی و اقتصادی آن کشور است.

۶- منازعه ضرورت و امتناع همه‌پرسی در شرایط بعد از جنگ ۱۲ روزه:

نویسندگان چنین می‌اندیشند که مساله اصلی بعد از جنگ ۱۲ روزه که در ارتباط با ضرورت و امتناع همه‌پرسی در ایران عزیز و اسلامی مان مطرح است، ناشی از آن است که موضوع همه‌پرسی مشخص نشده است! شاید با مشخص شدن موضوع همه‌پرسی، منازعه دو طرف موافق و مخالف همه‌پرسی کمتر شود و شاید بخشی از این منازعه از قبیل دعوای ازوم و انگور و عنبی باشد که داستان آن در مثنوی مولوی آمده است. برای توضیح بیشتر این مدعا لازم است مزایا و موانع همه‌پرسی بعد از جنگ ۱۲ روزه بررسی شود تا مشخص

گردد که چه مسائلی را می‌توان به همه‌پرسی گذاشت؟ و چه مسائلی را در این شرایط نباید به همه‌پرسی سپرد؟ و چه مستنداتی از قانون اساسی بر این مدعا وجود دارد؟

۷- موانع و مشکلات برگزاری همه‌پرسی:

طیف وسیعی از چالش‌ها و موانع برای برگزاری همه‌پرسی در شرایط کنونی وجود دارد که اهم آنها به شرح زیر است:

۷-۱- **اختلافات جناحی داخل کشور:** در این شرایط، کاملاً مشهود است که جناح‌های مختلف سیاسی به جای همبستگی، موضعی تقابلی دارند، این تقابل می‌تواند باعث اختلاف، بی‌ثباتی و عدم توافق بر سر برگزاری همه‌پرسی شود و اتحاد ملی را مخدوش کند و این همان خطری است که مقام معظم رهبری به درستی از آن پرهیز داده اند.

۷-۲- **تضعیف نهادهای دولتی و حاکمیتی:** در هنگام تصمیم‌گیری برای امر ناشناخته و غیر رایجی همچون همه‌پرسی، نهادهای دولتی و حاکمیتی تصمیم‌گیر تحت فشار قرار می‌گیرند؛ تا آنجا که ممکن است این نهادها توانایی خود را برای مدیریت فرآیندهای سیاسی از دست بدهند؛ این موضوع نیز چالشی جدی فرا روی همه‌پرسی ایجاد می‌کند.

۷-۳- **نگرانی‌های امنیتی:** در شرایطی که کشور تحت تهدید نظامی قرار دارد، ممکن است نهادهای حاکمیتی و مردم بیشتر نگران امنیت خود و خانواده‌شان باشند تا مسائل سیاسی. این نگرانی می‌تواند تردید در برگزاری همه‌پرسی را افزایش دهد.

۷-۴- **شایعات و اطلاعات نادرست:** در شرایط فعلی، شایعات و اطلاعات نادرست می‌تواند به بی‌اعتمادی عمومی دامن بزند؛ این وضعیت می‌تواند مستقیماً بر تصمیم‌گیری نهادهای مسئول و حتی بر سطح مشارکت عمومی تأثیر بگذارد.

۷-۵- **دسترسی محدود به اطلاعات:** در شرایط کنونی ممکن است رسانه‌ها و حتی نهادهای تصمیم‌گیر در برگزاری همه‌پرسی تحت تأثیر برخی مصلحت‌سنجی‌ها و یا در موقعیت‌های تعارض منافع قرار گیرند و دسترسی به اطلاعات دقیق و شفاف کاهش یابد. این موضوع، می‌تواند تصمیم‌گیری نهادهای مسئول و مردم را تحت تأثیر منفی قرار دهد.

۷-۶- **کمبود آموزش و تجربه زیسته در برگزاری همه‌پرسی:** عدم آگاهی و آموزش کافی درباره فرآیند فراندوم و اهمیت آن و همچنین فقدان یا کمبود تجربه زیسته در برگزاری

همه‌پرسی می‌تواند باعث تردید در برگزاری همه‌پرسی یا کاهش سطح مشارکت عمومی شود.

۷-۷- تأثیر وضعیت فعلی بر معیشت مردم و رشد اقتصادی کشور: در شرایطی که تهدید حمله نظامی دشمن وجود دارد، ممکن است مردم و مسئولان بیشتر نگران تأمین نیازهای اولیه باشند تا مسائل سیاسی، همچنین عدم ثبات اقتصادی می‌تواند به کاهش سرمایه‌گذاری‌ها و رشد اقتصادی منجر شود که این خود می‌تواند موجب تردید جدی در اولویت همه‌پرسی و حتی سطح مشارکت عمومی داشته باشد.

۷-۸- تحریم‌ها و انزوای بین‌المللی: تجاوز آمریکا - اسرائیل و چشم‌انداز ناشی از اعمال اسنپ بک و مکانیزم ماشه ممکن است منجر به تشدید تحریم‌ها و انزوای بین‌المللی شود. این وضعیت، خود می‌تواند بر فرآیندهای داخلی موثر در برگزاری همه‌پرسی تأثیر منفی بگذارد.

۸- مزایای برگزاری همه‌پرسی در شرایط اکنون: واقعیت این است که افراد، سازمانها و کشورها همیشه در موقعیت انتخاب قرار دارند، هر انتخابی نیز دارای مزایا و معایبی است؛ هیچ گزینه‌ای وجود ندارد که تماماً عیب یا تماماً مزایا باشد؛ مهم آن است که طرف مزایا بر معایب افزون باشد. با این مقدمه، مزایای همه‌پرسی در شرایط فعلی در ۱۱ بند به شرح زیر است.

۸-۱- تأمین وتقویت مقبولیت سیاسی: در شرایطی که کشور با بحران‌های داخلی و خارجی مواجه است، برگزاری رفراندوم می‌تواند به نظام کمک کند تا مقبولیت تصمیم‌گیری خود را از طریق تأیید عمومی تقویت کند. این اقدام نشان می‌دهد که حکومت به خواست و نظر مردم احترام می‌گذارد و به دنبال جلب حمایت آن‌هاست.

۸-۲- ایجاد حس همبستگی: رفراندوم می‌تواند فرصتی برای ارتقای سطح اتحاد ملی فراهم کند. در زمان‌هایی که کشور در معرض تهدیدات خارجی قرار دارد، مردم ممکن است بیشتر به یکدیگر نزدیک شوند و احساس همبستگی بیشتری داشته باشند. این حس می‌تواند به تقویت روحیه ملی و کاهش تنش‌های اجتماعی کمک کند.

۸-۳- فراهم کردن بستر برای ابراز نظر مردم: رفراندوم به مردم این امکان را می‌دهد که نظرات خود را درباره موضوعات مهم کشور بیان کنند. این مشارکت می‌تواند به افزایش احساس مسئولیت اجتماعی و سیاسی در میان شهروندان کمک کند.

۸-۴- شناسایی اولویت‌ها: نتایج رفراندوم می‌تواند به حکومت کمک کند تا بفهمد کدام مسائل برای مردم مهم‌تر است و بر اساس آن سیاست‌های خود را تنظیم کند. این شناخت می‌تواند به ایجاد سیاست‌های مؤثرتر و متناسب‌تر با نیازهای جامعه منجر شود.

۸-۵- افزایش شفافیت: برگزاری رفراندوم می‌تواند فرآیندهای سیاسی را شفاف‌تر کند. وقتی مردم می‌بینند که نظرات آن‌ها در تصمیم‌گیری‌ها لحاظ می‌شود، به طور طبیعی اعتماد بیشتری به نهادهای حکومتی پیدا خواهند کرد.

۸-۶- کاهش بی‌اعتمادی یا شکاف بین ملت - دولت: در شرایطی که نرخ مشارکت در انتخابات مجلس و ریاست جمهوری، وضعیت مطلوبی نداشته و در نتیجه بی‌اعتمادی عمومی به نهادهای حکومتی افزایش یافته است، برگزاری رفراندوم می‌تواند به کاهش این بی‌اعتمادی کمک کند. اگر مردم احساس کنند که صدای آن‌ها شنیده می‌شود، نسبت به دولت و نهادهای سیاسی اعتماد بیشتری پیدا می‌کنند.

۸-۷- تقویت فرهنگ مردم سالاری دینی: برگزاری رفراندوم می‌تواند به تقویت فرهنگ مردم سالاری دینی در کشور کمک کند. این فرآیند نشان‌دهنده این است که مردمی که تحت حاکمیت قانون اساسی مبتنی بر حکومت دینی زندگی می‌کنند، حق دارند در تصمیمات کلان کشور مشارکت کنند و این امر می‌تواند به تقویت رفتارهای دموکراتیک در جامعه منجر شود و این موضوع آگاهی به حقوق و مسئولیت‌های شهروندی و مشارکت سیاسی و اجتماعی آنها را افزایش می‌دهد.

۸-۸- کاهش تنش‌ها: برگزاری رفراندوم می‌تواند به کاهش تنش‌های اجتماعی کمک کند. وقتی مردم احساس کنند که در فرآیند تصمیم‌گیری‌ها مشارکت دارند، یقیناً نارضایتی‌های اجتماعی کاهش خواهد یافت.

۸-۹- ایجاد راهکارهای جدید: نتایج فراندوم می‌تواند به شناسایی راهکارهای جدید برای مدیریت بحران‌ها کمک کند. اگر مردم نظرات خود را درباره چالش‌های موجود بیان کنند، ممکن است راه‌حل‌های خلاقانه و مؤثری برای مشکلات پیدا شود.

۸-۱۰- بهره‌برداری از شرایط ویژه و آگاهی عمومی بعد از جنگ: شرایطی که در جریان جنگ ۱۲ روزه و زمان بعد از آن پدید آمد، موجب ایجاد آگاهی عمیق در سطح افکار عمومی شده است؛ مناسبات حاکم بر جهان و منطق قدرت‌های استکباری بیش از پیش در ادراک عمومی جامعه جای گرفته است، بنابراین بهترین فرصتی است تا این ادراک جمعی ایرانیان از طریق همه‌پرسی به تصمیم‌گیری جمعی ایرانیان تبدیل گردد.

۸-۱۱- تحکیم روابط بین‌الملل و پیام به جامعه جهانی: برگزاری فراندوم می‌تواند پیامی مثبت به جامعه بین‌المللی ارسال کند که ایران به دنبال حل مسائل از طریق روش‌های دموکراتیک است. این اقدام ضمن ارائه تصویر مثبتی از ایران در عرصه جهانی، می‌تواند به جلب حمایت‌های بین‌المللی و کاهش فشارها بر روی ایران منجر شود.

۹- مسائلی که در شرایط فعلی و پس از تجاوز اسرائیل نباید به همه‌پرسی گذاشته شوند:

واقع‌گرایی و خردمندی ایجاب می‌کند که هنگام گفتگو از همه‌پرسی به موانع و مشکلات پیش روی آن توجه کنیم.

تردیدی نیست که شرایط کشور پس از تجاوز دشمن صهیونی از حساسیت خاص برخوردار است؛ چشم‌انداز آینده کشور نیز در سطوح کوتاه مدت، میان‌مدت و بلندمدت نیز متأثر از این شرایط بوده و تا حدودی در وضعیت ابهام و شناور قرار گرفته است؛ متأسفانه در این شرایط، تاثیر متغیر و عامل خارجی در شکل‌دهی به چشم‌انداز آینده کشور بیشتر شده است؛ زیرا رفتار بازیگران خارجی می‌تواند در رویکرد نظام تدبیر کشور موثر باشد. بنابراین این سوال مطرح است که در این شرایط چه مسائلی نباید به همه‌پرسی گذاشته شوند؟ به نظر نویسندگان مسائلی که نباید به همه‌پرسی گذاشته شوند ۶ نوع و به شرح زیر هستند:

۹-۱- **سیاست‌های دفاعی و نظامی:** تصمیم‌گیری درباره استراتژی‌های نظامی، تقویت نیروهای مسلح و برنامه‌های تسلیحاتی باید در دایره اختیارات نهادهای نظامی و امنیتی باقی بماند و به فراندوم گذاشته نشود.

۹-۲- **مقابله با تهدیدات خارجی:** تصمیمات مربوط به نحوه مقابله با تهدیدات خارجی، خصوصاً مقابله با تجاوز رژیم صهیونی و حفظ امنیت ملی باید به عهده دولت و نهادهای مربوطه باشد.

۹-۳- **اصل نظام سیاسی:** تغییر در نظام سیاسی (مانند تغییر از جمهوری اسلامی به نظام دیگری) نیز نباید به فراندوم گذاشته شود؛ زیرا موجب از بین رفتن تجربه ملی و ذخیره تاریخی کشور و مردم در حوزه حکمرانی می‌شود و هرج و مرج و تجزیه را به دنبال دارد.

۹-۴- **تغییرات در قانون اساسی:** تغییرات بنیادین در قانون اساسی یا ساختار سیاسی کشور در شرایط فعلی نباید به همه‌پرسی گذاشته شوند؛ زیرا بر دامنه بحران‌های اجتماعی می‌افزاید.

۹-۵- **موضوعات فرهنگی و مذهبی حساس:** مسائل مربوط به فرهنگ، مذهب و ارزش‌های اجتماعی باید در فرایندی فرهنگی واجتماعی مدیریت شوند و نباید تحت تأثیر نظرات عمومی قرار گیرند؛ زیرا در غیر این صورت موجب تنش‌های اجتماعی خواهد شد.

۹-۶- **نظم عمومی و تدابیر امنیتی:** تصمیمات مربوط به نظم عمومی و تدابیر امنیتی برای مقابله با ناآرامی‌ها یا بحران‌ها باید به عهده نهادهای امنیتی باشد و نباید به فراندوم گذاشته شوند؛ زیرا این تصمیم‌ها تابع عمق و سطح شرایطی هستند که در لحظه و زمان وقوع، مشخص می‌شوند و نمی‌توان سطح، عمق و گسترده این مسائل را از قبل مشخص کرد؛ با این وصف، مزایایی و انواعی که برای همه‌پرسی برشمردیم به گونه ای است که نمی‌توان و نباید از اجرای همه‌پرسی در سپهر عمومی کشور ناامید بود.

۱۰- **مسائلی که در شرایط فعلی می‌تواند به همه‌پرسی گذاشته شوند:**

در جهان متکثر و بسط یافته کنونی، همه پدیده‌ها به یکدیگر مرتبط شده و بر هم موثر و از یکدیگر متاثرند، بنابراین تهیه و پیشنهاد فهرستی از مسائلی که قابل همه‌پرسی هستند،

امری به غایت مشکل است؛ زیرا هر یک از این مسائل می‌تواند با یک یا چند واسطه به مسائلی مربوط شود که گفتیم نباید به همه‌پرسی گذاشته شوند؛ با حفظ این مقدمه، نویسندگان فهرستی از مسائل قابل همه‌پرسی را ارائه کرده و تاکید می‌کنند که این فهرست نباید به گونه‌ای تفسیر و تعبیر شود که با مطلب قبلی در تناقض باشد؛ به تعبیر دیگر، هر گونه تفسیر و تعبیری که از این فهرست تصور شود و موجب گردد که مسائلی که نباید به همه‌پرسی گذاشته شوند، داخل در این فهرست قرار گیرد، مورد نظر نویسندگان نیست، نکته مورد تاکید دیگر، این است که نویسندگان هیچگاه پیشنهاد همه‌پرسی در خصوص همه این مسائل را ارائه نمی‌کنند، بلکه با ارائه این فهرست به نظام تدبیر و تصمیم‌گیری کشور، تلاش می‌کنند که زمینه انتخاب و تعیین اولویت را فراهم کنند تا در صورت وجود سایر شرایط در رابطه با برگزاری همه‌پرسی تصمیم‌گیری کنند؛ بدیهی است این گونه تصمیم‌گیری‌ها تابع اشراف اطلاعاتی کاملی است که متصدیان نظام تدبیر کشور در آن شرایط هستند و نویسندگان در چنین موقعیتی قرار ندارند؛ لذا این فهرست تنها بر اساس تاملات حقوقی و اندیشه‌ای نویسندگان تهیه شده و مبنایی جز تعهد به بهبود شرایط میهن اسلامیمان ندارد. انه علیم بذات الصدور.

با این مقدمه، فهرست مسائلی که یک یا چند مورد آن می‌تواند به همه‌پرسی گذاشته شود، در ۹ بند به شرح زیر پیشنهاد می‌شود.

۱-۱۰- نحوه واکنش به تجاوز و روابط بعدی با آمریکا- اسرائیل: در این خصوص، مردم می‌توانند درباره اینکه آیا باید به تنش‌ها ادامه داد یا به سمت دیپلماسی و مذاکرات صلح حرکت کرد، نظر دهند. این موضوع می‌تواند شامل بررسی گزینه‌های مختلف مانند برقراری روابط دیپلماتیک یا ادامه سیاست‌های خصمانه با متجاوزان باشد.

۱۰-۲- ادامه یا توقف غنی‌سازی: مردم می‌توانند درباره ضرورت ادامه یا توقف غنی‌سازی اورانیوم و سیاست هسته‌ای نظر دهند، ضرورت همه‌پرسی در خصوص این سیاست ناشی از آن است که بیش از ۲۰ سال است که مناقشه کشور با سران استکباری دنیا در خصوص سیاست‌های راجع به انرژی هسته‌ای طول کشیده است، افکار عمومی در طول این ۲۰ سال نسبت به هزینه و فایده این سیاست به شرایط اقناع شناختی و اطلاعاتی

رسیده است؛ در حال حاضر، یکی از نقاط بن بست در ارتباط با سران استکبار جهانی همین مسئله است. از آنجا که این مناقشه بیش از ۲۰ سال طول کشیده و اکنون هم به نقطه تصمیم‌گیری وجودی رسیده است، بسیار طبیعی است که مردم باید مسئولیت و مباشرت مستقیم در این تصمیم‌گیری داشته باشند، در تمثیل حقوقی با اندکی مسامحه می‌توان گفت همانگونه که ولی قهری بعد از بلوغ صغیر باید اموال و اختیارات ناشی از آن را به صغیر تحویل دهد، در این مناقشه هسته‌ای نیز که بیش از ۲۰ سال از آن می‌گذرد و سیاست‌گذاری‌های حکومتی تاکنون قادر به حل آن نبوده است (هرچند که علت آن، زیاده‌خواهی و زورگویی نظام سلطه جهانی است) اکنون زمان تفویض تصمیم‌گیری و مراجعه مستقیم به آرای عمومی است؛ چون تمام هزینه و تمام فواید ناشی از این تصمیم‌گیری متوجه عموم ملت ایران و نسلهای بعدی خواهد بود و هیچ شخص یا نهادی نمی‌تواند به تنهایی مسئولیت چنین تصمیم‌ساز و بین‌نسلی را برعهده بگیرد.

۱۰-۳- توسعه همکاری‌های امنیتی و اقتصادی در منطقه و الزامات ناشی از آن: مردم می‌توانند درباره تقویت همکاری‌های امنیتی و اقتصادی با کشورهای همسایه، خصوصاً کشورهای متحد آمریکا در خلیج فارس و آسیا نظر دهند. این همکاری‌ها می‌تواند شامل تجارت، سرمایه‌گذاری و پروژه‌های مشترک اقتصادی باشد. همچنین این همکاریها می‌تواند درباره نحوه تعامل با کشورهای همسایه در زمینه امنیت و مبارزه با تروریسم نیز باشد. اهمیت این همه‌پرسی ناشی از آن است که تصمیم به توسعه این همکاری‌ها به حکم قاعده ملازمه، مستلزم اتخاذ یک سری سیاست‌های کلی در باب سیاست‌های نفوذ منطقه ای کشور است، اگر چه اتخاذ این سیاست‌های کلی به حکم اصل ۱۱۰ قانون اساسی از جمله وظایف و اختیارات مقام رهبری است، اما این همه‌پرسی می‌تواند به منزله چراغ راهنمایی باشد که ضرورت تداوم یا تغییر در این سیاست‌ها را نشان دهد.

۱۰-۴- سیاست‌های اقتصادی داخلی: مردم می‌توانند درباره نحوه توزیع منابع مالی و بانکی و اقتصادی کشور، از جمله نظام توزیع یارانه‌ها و کمک‌های اجتماعی و همچنین نحوه تعدیل یا تداوم نظامهای مبتنی بر سهمیه، نحوه مالیات ستانی و حمایت از کسب‌وکارها نظر دهند.

۱۰-۵- حقوق و آزادی‌های مشروع و مقرر در قانون اساسی: همه‌پرسی درباره حقوق شهروندی، آزادی بیان و حق تجمع می‌تواند به بهبود وضعیت اجتماعی کمک کند و احساس مشارکت و حس تعلق در شهروندان را تحریک کرده و آن را ارتقا دهد.

۱۰-۶- سیاست‌های آموزشی: مردم می‌توانند درباره سیاست‌های آموزشی و فرهنگی کشور، از جمله محتوای کتاب‌های درسی و آزادی‌های فرهنگی نظر دهند.

۱۰-۷- فعالیت رسانه‌ها: بررسی نقش رسانه‌ها در جامعه و نحوه نظارت بر آن‌ها نیز موضوع مهمی است که می‌توان از طریق همه‌پرسی، احساس مشارکت شهروندان را افزایش دهد.

۱۰-۸- تدابیر اجتماعی: اتخاذ تدابیر اجتماعی برای مقابله با بحران‌ها و مشکلات اقتصادی نیز می‌تواند از طریق همه‌پرسی انجام شود و به ارتقای مسئولیت اجتماعی و بهبود حس مشارکت شهروندان منتهی گردد.

۱۰-۹- نقش و مشارکت احزاب: نظرات عمومی درباره نقش احزاب سیاسی در فرآیندهای سیاسی کشور و نحوه مشارکت آن‌ها نیز می‌تواند از طریق همه‌پرسی انجام شود. بی تردید برگزاری این گونه همه‌پرسی‌ها می‌تواند مزایای متعددی داشته باشد.

۱۱- مستنداتی از قانون اساسی در خصوص بایدها و نبایدهای همه‌پرسی:

مصادیقی از ضرورت و اجتناب که برای همه‌پرسی در این مقاله بیان شد، مبتنی بر اصول متعدد قانون اساسی است؛ اصولی که مقتضای آن‌ها پرهیز از همه‌پرسی در مسائل ساختاری نظام سیاسی است، مورد مناقشه نیست و لذا نیازی به ذکر آن‌ها وجود ندارد؛ اما اصولی که رویکرد مثبت به برگزاری همه‌پرسی در مسائل پیش گفته دارد-علاوه بر اصول متعددی که در آن به استفاده از شورا و مشورت تصریح شده است-، حداقل در ۸ موضع دیگر از قانون اساسی است که به صورت خاص از «همه‌پرسی» نام برده شده و به آن ارجاع شده است. این موارد عبارتند از:

یکم: اصل ششم قانون اساسی: (استفاده از همه‌پرسی در اداره امور کشور).

دوم: اصل ۵۹ قانون اساسی: (مراجعه مستقیم به آرا مردم در مسائل بسیار مهم).

سوم: اصل ۶۴ قانون اساسی: (ارجاع به همه‌پرسی سال ۶۸).

چهارم: اصل ۹۹ قانون اساسی: (نظارت شورای نگهبان بر همه‌پرسی).

پنجم: بند ۳ اصل ۱۱۰ قانون اساسی: (اختیار مقام رهبری در صدور فرمان همه‌پرسی).

ششم: اصل ۱۲۳ قانون اساسی: (وظیفه رئیس‌جمهور در ابلاغ نتایج همه‌پرسی).

هفتم: اصل ۱۳۲ قانون اساسی: (عدم اجرای همه‌پرسی در دوره موقت و توسط شورای جایگزین رئیس‌جمهور).

هشتم: اصل ۱۷۷ قانون اساسی: (ضرورت همه‌پرسی در رابطه با بازنگری قانون اساسی)

علاوه بر این ۸ موضع، در مقدمه قانون اساسی و نیز مقتضای روح قانون اساسی ایران و ذائقه قانون‌گذار اساسی، مبتنی بر ارجاع مکرر به همه‌پرسی است؛ لذا در شرایط کنونی رجوع به همه‌پرسی در مسائل پیش‌گفته ضرورتی تام دارد. والله العالم

فهرست منابع

الف) منابع مکتوب:

۱. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران
۲. عباسی، بیژن. (۱۳۸۹). مبانی حقوق اساسی (چاپ دوم). جنگل.
۳. هاشمی-سیدمحمد، سیدمحمد. (۱۳۹۰). حقوق اساسی و ساختارهای سیاسی (چاپ اول). میزان.
۴. جعفری لنگرودی، محمدجعفر. (۱۳۷۴). ترمینولوژی حقوق (چاپ هفتم). گنج دانش.
۵. مهرپور، حسین. (۱۳۹۱). مختصر حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران (چاپ سوم). دادگستر.
۶. طباطبایی مؤتمنی، منوچهر. (۱۳۸۶). حقوق اساسی (چاپ دهم). میزان.
۷. طحان نظیف، هادی؛ ممتازنیا، محمدسعید. (۱۳۹۸). همه‌پرسی تقنینی در نظام جمهوری اسلامی. دوفصلنامه پژوهشنامه حقوق اسلامی، سال بیستم، شماره دوم، پاییز و زمستان.
8. Butler, David؛ Ranney, Austin. (1994). Referendums around the world: The growing use of direct democracy. The AEI Press, Publisher for the American Enterprise Institute

ب) منابع آنلاین:

9. <https://donya-e-eqtesad.com>
10. <https://www.ansa.it/sito>
11. <https://swissvotes.ch>
12. <https://www.ansa.it/>
13. <https://www.electoralcommission.org>
14. Gall, G. L. (2015, March 4). Québec referendum (1995). The Canadian Encyclopedia. <https://thecanadianencyclopedia.ca/en/article/quebec-referendum-1995>